

تأثیر اشغال عراق توسط آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عنایت‌ا... یزدانی^۱

زهرا صادقی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۳/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۶/۴

صفحات مقاله: ۹-۴۷

چکیده

منطقه‌ی خاورمیانه یکی از مناطق راهبردی و حساس جهانی است. به طوری که امنیت کشورهای این منطقه متأثر از یکدیگر است و هر گونه جنگ و ناامنی در این منطقه، موجب به خطر افتادن امنیت سایر کشورها می‌شود. امنیت ملی به عنوان یک متغیر جدید به کار می‌رود، اما این متغیر جدید خود به متغیرهایی وابسته است که نادیده انگاشتن آنها باعث به خطر افتادن امنیت ملی کشورها می‌گردد. یکی از عوامل و متغیرهای مؤثر بر امنیت ملی هر کشور را نحوه‌ی تنظیم روابط خارجی آن کشور با دیگر کشورها به خصوص کشورهای همسایه شکل می‌دهد. با توجه به این امر، امنیت ملی ایران به عنوان کشوری بزرگ در منطقه‌ی خاورمیانه، به عوامل متعددی از جمله نحوه‌ی تنظیم روابط خارجی ایران با کشورهای جهان و همسایگان ارتباط مستقیمی دارد. به همین منوال، حمله‌ی آمریکا به عراق و اشغال این کشور سبب نگرانی‌هایی در منطقه، بویژه برای کشورهای همسایه‌ی عراق (ایران، سوریه و ترکیه) شده است. ایران به عنوان همسایه‌ی نزدیک عراق، بعد از حمله‌ی آمریکا به این کشور دچار یک سری چالش‌هایی شد. اما جدای از این چالش‌ها، ایران به

۱ - استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

تحولات عراق نگاه مثبتی دارد، چرا که می‌تواند از طریق دیپلماسی و تنظیم روابط خارجی از بهترین شرایط در جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و رفع چالش‌ها استفاده کند. در این راستا، این مقاله تأثیر اشغال عراق توسط آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب چالش‌ها و فرصت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. این چالش‌ها و فرصت‌ها در ابعاد نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و بهداشتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

* * * * *

کلید واژگان

خاورمیانه، امنیت منطقه‌ای، خلیج فارس، ژئوپلیتیک شیعه، روابط خارجی، امنیت ملی.

مقدمه

منطقه‌ی خلیج فارس به دلیل وجود انرژی و اهمیت ژئوپلیتیک همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. سه کانون مهم انرژی در این منطقه (ایران، عراق و عربستان) با یکدیگر بر سر برتری و سلطه‌ی منطقه‌ای رقابت می‌کنند. این کشورها با سه ساختار سیاسی متفاوت، دیدگاه‌های گوناگونی در مورد امنیت منطقه خلیج فارس دارند که به پیچیدگی امنیت در منطقه منجر شده است.

حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم آن، شاید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مرحله در فرآیند تغییر وضع موجود امنیتی، سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه باشد، همچنین این امر می‌تواند برای کشورهای منطقه خطرآفرین باشد، با توجه به شرایط در این منطقه، تنظیم روابط ایران با عراق در نیم قرن گذشته همواره یکی از موضوعات مهم و اصلی در سیاست خارجی ایران می‌باشد.

هرچند تهدیدات سنتی نظامی از سوی عراق رفع شده است، اما ماهیت پیچیده‌ی سیاسی و فرهنگی این کشور و بی‌ثباتی و ناامنی سال‌های اخیر از

یکسو و حضور بیگانگان در این کشور از سوی دیگر، تهدیدات جدیدی را وارد حوزه سیاست خارجی ایران کرده است، علاوه بر آن فرصت‌هایی را نیز برای سیاست خارجی ایران از جمله برقراری روابط مبتنی بر همکاری متقابل در روابط دو جانبه، و همچنین در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس و جهان عرب و نهایتاً حوزه روابط بین‌الملل فراهم آورده است.

در حال حاضر، مهم‌ترین چالشی که امنیت ایران را به مخاطره می‌اندازد تداوم حضور آمریکا در عراق می‌باشد که در این زمینه می‌توان بر دو دیدگاه تأکید کرد؛ گروهی معتقدند آمریکا هر چه بیشتر در عراق باقی بماند، دستاویزی برای برپایی جنگ ملی خواهد بود، اگرچه شکست دولت و ارتش عراق به آسانی رخ داد، اما شکست مردم بسیار دشوار خواهد بود.

دیدگاه دیگری معتقد است؛ با توجه به شکاف‌های اجتماعی (قومی، مذهبی و...) تا وقتی که امنیت به طور کامل در عراق مستقر نشود و انتخابات آزاد و فراگیر برگزار نگردد و قانون اساسی تدوین نگردد، پیش‌شرط‌های بازسازی اقتصادی محقق نشود و همچنین مسئله‌ی اشتغال مردم عراق تا حدودی حل نگردد، به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی این کشور، به احتمال زیاد عراق کانون کشمکش‌هایی خواهد بود که تا سال‌های سال، ثبات و امنیت منطقه را به چالش خواهد کشاند. اشغال عراق را می‌توان به صورت فرصت و تهدیدهایی در پنج سطح نظامی امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، زیست محیطی بهداشتی برای ایران مورد بررسی قرار داد.

در این زمینه این مقاله در پی یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های زیر خواهد بود.

۱ - نقش نیروهای نظامی آمریکا در عراق با توجه به قدرت منطقه‌ای ایران

چيست؟

۲ - اشغال عراق چه چالش‌های امنیتی‌ای برای ایران ایجاد کرده است؟

۳ - بعد از سقوط رژیم بعثی عراق، چه فرصت‌هایی بین روابط ایران و عراق ایجاد شده است؟

مفروضات مقاله نیز به صورت زیر می‌باشد:

۱ - آمریکا با توجه به منافع که در عراق دارد، کشور عراق را با وضعیت ژئوپلیتیکی موجود آن برای برقراری توازن و ایستادگی در برابر ایران مدنظر دارد.

۲ - مهم‌ترین چالش امنیتی ایران بعد از اشغال عراق را می‌توان به حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق، خلأ ناشی از قدرت، درگیری و جنگ داخلی، تجزیه‌ی ارضی نامنی و بی‌ثباتی، رقابت‌های قومی - مذهبی و رقابت‌های بالقوه‌ی منطقه‌ای اشاره کرد.

۳ - سقوط رژیم بعثی عراق موجب به قدرت رسیدن شیعیان گردید که خود زمینه‌های گسترش ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و فرهنگی را با کشور ایران فراهم می‌آورد.

امنیت ملی

درخصوص مفهوم‌شناسی امنیت باید گفت همانند بسیاری از مفاهیم دیگر، در تبیین مفهوم امنیت نیز تنوع بسیاری وجود دارد، امنیت را می‌توان مفهومی توسعه نیافته و مبهم دانست. مهم‌ترین اولویت در سیاست داخلی و خارجی کشورها بحث امنیت است، چرا که در هیچ کشوری بدون امنیت هیچ برنامه‌ای قابل اجرا نیست، تشکیل یا تداوم جامعه‌ی مدنی، برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه، حفظ و گسترش ارزش‌های ملی، سرمایه‌گذاری اقتصادی، تأمین رفاه اجتماعی و بهداشت، حفظ محیط زیست، همه در گرو امنیت است. سازمان ملل متحد در پژوهشی تحت عنوان مفهوم امنیت آن را چنین تعریف کرده است: "این که کشورها از حمله‌ی نظامی، فشار سیاسی و اقتصادی بی‌مناک نبوده و بتوانند

آزادانه پیشرفت و توسعه‌ی خویش را تعقیب نمایند.“ (حجت‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۸) در فرهنگ علوم سیاسی آمده است که امنیت:

۱ - تضمین ایمنی، یعنی قراردادهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز خطر جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه، به قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها.

۲ - مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از خطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع. (فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۷۴: ۳۸۴)

امنیت برحذر بودن از خطراتی است که منافع و ارزش‌های حیاتی را مورد تهدید قرار می‌دهد، چه در مورد افراد چه درخصوص اجتماعات بشری، در حالی که تا اواخر قرن ۱۹ مفهوم امنیت، همان امنیت نظامی بود. اما آغاز قرن بیستم با تفسیر جدیدی از مفهوم امنیت همراه بود، به طوری که در این قرن جنبه‌های جدید امنیت شامل امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی نیز مطرح شد. (حجت‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۹)

علی‌رغم این که امنیت نظامی به خصوص به واسطه‌ی تهدیدات قدرت‌های بزرگ همچنان حائز اهمیت است، اما ملل متمدن جهان، تأمین رفاه و توسعه‌ی اقتصادی، توجه به تولیدات فرهنگی، مبارزه با جهل و بی‌سوادی، ارتقای آموزش و سطح بهداشت عمومی را جزء عناصر انکارناپذیر تأمین امنیت ملی می‌شمارند. واژه‌ی امنیت به عنوان یک واژه‌ی کلیدی هرچند در سیاست با مفهوم ملت - دولت ارتباطی تنگاتنگ دارد، ولی اغلب به جای امنیت ملی به کار می‌رود، تعاریف مختلفی درخصوص امنیت ملی وجود دارد، که به اختصار به چند مورد آن اشاره می‌شود.

امنیت ملی، حالتی است که در آن ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از دارایی یا خاک خود به‌سربرنند. امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد سیاسی کشور یعنی آمادگی برای مخاصمه، بازدارندگی یا اجتناب از جنگ می‌باشد.

(علی بابایی، ۱۳۶۹: ۵۱) از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی می‌توان از روحیه‌ی نظامی، تعداد و توانمندی دانشمندان، ویژگی‌های رهبری و شخصیت‌های سیاسی، نظامی، ژئوپلیتیک و قدرت اقتصادی یک کشور نام برد. (فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۷۶: ۲۲۷)

بری بوزان^۱ در کتاب مردم، دولت‌ها و ترس^۲ ضمن تأکید بر امنیت بین‌الملل به جای امنیت ملی ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و زیست محیطی را مطرح می‌کند؛ به عبارت دیگر کشورها دیگر تنها به مصالح خود نمی‌اندیشند، بلکه مصالح و امنیت دیگران در سطح بین‌الملل گره خورده است، از نظر او فروپاشی شوروی بر اثر واگرایی ناشی از مناقشات قومی و... و یا اتحاد ۲۵ کشور در اتحادیه‌ی اروپا که به مثابه‌ی گذر از نظام سنتی مبتنی بر دولت - ملت است، نشان از فراملی بودن پدیده‌ی امنیت دارد و این پارادایم‌ها نشانگر آن است که همه باید به امنیت همه بیندیشند چرا که امنیت ملی و امنیت فراملی دیگر چاره‌ساز نیست، بلکه در دنیای جهانی شده‌ی امروز باید به جامعه‌ی امنیتی جهانی اندیشید. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶) کشور ایران به دنبال آرامش و ثبات سیاسی و امنیتی بویژه، در منطقه و کشورهای همسایه است و خواهان نوعی امنیت منطقه‌ای است که گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی می‌تواند مؤثر باشد.

ایران و آمریکا در منطقه

حضور و مداخله‌گرایی آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس تحت تأثیر استلزامات رئالیستی راهبرد اقتصادی، امنیتی این کشور در عرصه‌ی بین‌الملل بوده است. محققان متعددی در تحلیل راهبرد مداخله‌گرایانه‌ی آمریکا در منطقه‌ی

1 - Barry Buzan

2 - People, State and Fear

خلیج فارس به برجسته‌سازی متغیرهای دیگری هم اشاره کرده‌اند. این متغیرها را می‌توان در حمله‌ی آمریکا به عراق به صورت‌های زیر بیان کرد.

- ۱ - پایان دادن به حکومت یک دیکتاتور و متجاوز
- ۲ - جلوگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در عراق
- ۳ - دستیابی به دستاوردهای طرح خاورمیانه‌ی بزرگ
- ۴ - نهادینه شدن فرآیندهای دموکراتیک در عراق (بلالی، ۱۳۸۲: ۳۳؛ سنبلی، ۱۳۸۲: ۵؛ قنبرلو، ۱۳۸۵: ۲۳)

آمریکا در عراق برای خود منافع فرض کرده است، به طوری که حفظ تمامیت ارضی این کشور در زمره‌ی منافع حیاتی واشنگتن است. ضمن این که اگر قرار باشد در آینده یک قدرت منطقه‌ای بتواند در برابر ایران ایستادگی کند. کشور عراق با وضعیت ژئوپلیتیکی موجود آن بهترین گزینه برای برقراری توازن مدنظر آمریکا خواهد بود. (برنا، ۱۳۸۵: ۸۳) یک عراق دموکراتیک با الگوی دارای ساخت قدرت و سیاست متفاوت از گذشته و در راستای اهداف آمریکا محور اصلی فشار و متعادل کردن رفتار و نفوذ ایران در سطح منطقه به حساب می‌آید. آمریکا در پی تضعیف ایران سعی در ایجاد دولتی با جریان اسلام‌گرایی جدید در مقابل اسلام‌گرایی از نوع ایرانی است، فرآیند دولت‌سازی با شیوه‌ی کنونی در عراق می‌تواند این فرصت را در اختیار آمریکا بگذارد که در این کشور، با تلفیق نوعی اسلام‌گرایی کنترل شده و اجزایی از دموکراسی هدایت شده، الگویی ایجاد کند که با آن، هم به نیازها و تقاضای موجود پاسخ گفته و هم کنترل کلان جریان اسلام‌گرایی را در دست گرفته و آن را به مسیر مورد نظر خود هدایت کند. عدم دقت آمریکاییان در این طرح، احتمال الگوی مردم‌سالاری دینی ایرانی را به همراه خواهد داشت که در تعریف و تصور واشنگتن یک خطر جدی برای منافع آنها و یک فرصت بنیادین برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

بنابراین غرب با بنیادگرایی اسلامی تحت عنوان تروریسم به مبارزه برخاسته

است و ایران را نیز با این ادعا که از آنها حمایت می‌کند، تحت فشار قرار داده است. ایالات متحده از دو طریق با دست‌آویز جنبش‌های اسلامی و پیوند آنها با ایران به منافع کشور ضربه می‌زند. اول، فشارهای مستقیم که بر اساس آن واشنگتن خود محدودیت‌هایی را برای ایران ایجاد می‌کند که سیاست تحریم آمریکا بر ضد ایران، در این جهت است. روش دوم، از طریق کشورهای مسلمان و عرب خاورمیانه اعمال می‌گردد، از آن جا که بنیادگرایی اسلامی و جنبش‌های اسلامی در درون کشورهای اسلامی برای سرنگونی رژیم سیاسی حاکم مبارزه می‌کنند، ایالات متحده با دامن زدن به حمایت ایران از آن، روابط ایران با کشورهای مختلف خاورمیانه را تخریب می‌کند. برای مثال: روابط ایران و مصر، آسیب‌های فراوانی از این ناحیه دیده است، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر نقش مهم روابط عادی و دوستانه ایران و مصر در تقویت موضع جهان اسلام در مقابل اسرائیل و حل مسائل منطقه‌ای کشورهای اسلامی شود. بنابراین از آن جا که ایران هر گونه پیوند و حمایت از این جنبش‌ها را انکار می‌کند، باید در عمل نیز مانع از تأثیر آنها بر سیاست خارجی خود گردد. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۳۶)

دغدغه‌ی امنیتی دیگر در منطقه‌ی خلیج فارس، تداوم رقابت تسلیحاتی ناشی از حس تهدیدهای راهبردی است. خریداری تسلیحات پیشرفته توسط کشورهای خلیج فارس حتی توسط شیخ‌نشین‌های کوچک بحرین و امارات متحده‌ی عربی به ایجاد توازن وحشت انجامیده است که بازدارنده‌ی به کارگیری قدرت توسط دشمنان منطقه‌ای علیه یکدیگر است. آنچه در خلال دو دهه‌ی گذشته در این منطقه وجود داشته است، نقش آمریکا در تداوم عدم توازن نامتقارن علیه ایران و برداشت جمهوری اسلامی ایران از اهداف نظامی ایران در منطقه شایان گفتن است، با این حال آمریکا ناچار خواهد بود حجم نسبتاً زیادی از تجهیزات نظامی را در کشورهای ساحلی ذخیره یا در سواحل آنها مستقر کند، این امر مستلزم پیمان‌های دفاعی دوجانبه‌ی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن است. مثلاً؛ پیمان امنیتی واشنگتن با کویت

یکی از جامع‌ترین قراردادهای امنیتی بین آمریکا و یک کشور عرب است که حق انبار کردن تجهیزات نظامی را در کویت و دسترسی کامل به تأسیسات نظامی کویت برای انجام عملیات نظامی را در منطقه به آمریکا می‌دهد. (BBCPERSIAN.COM, ۱۳۸۶) بحرین، قطر، عمان به همین شکل موافقت‌نامه‌های بلند مدتی برای واگذاری تأسیسات نظامی در خلیج فارس امضا کردند. دیدگاه تهران به این تحولات، با توجه به روابط پر تنش فعلی بین واشنگتن و تهران همچنان مایه‌ی تهدید امنیتی است، که حلقه‌ی محاصره و آسیب‌پذیری را گسترش داده است. به علاوه ظهور مجدد عراق در مقام یک قدرت منطقه‌ای، کشوری تحت اشغال نظامی آمریکا یا کشوری با حکومت طرفدار آمریکا، پیچیدگی‌های بیشتری را به مشکلات امنیتی ایران در خلیج فارس خواهد افزود.

روابط ایران و منطقه

ایران به مانند یک محور اصلی میان منطقه‌ی شرق خاورمیانه و آسیا از یک طرف، و اروپا و آسیا از طرف دیگر قرار گرفته و با برخورداری از موقعیت و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نسبت به سایر کشورهای منطقه برتری دارد. این یکی از دلایل افزایش و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه است. ایران از دیرباز، با توجه به آشنایی با زبان‌ها و فرهنگ‌های منطقه و همچنین روابط تاریخی مستحکم همراه با مهارت در مدیریت اوضاع، دارای قدرت نرم است، یک قدرت سنتی که به این کشور اجازه خواهد داد، تا بدون توسل به زور و حربه‌های نظامی و صرفاً با تکیه بر سیاست‌ورزی و نفوذ فرهنگی و مردمی در میان کشورهای منطقه، منافع راهبردی حفظ نماید. البته با وجودی که ایران در منطقه‌ی خاورمیانه، فرصت‌های عظیمی را در اختیار این کشور قرار داده است، اما اختلافات درونی میان کشورهای منطقه سبب ناامنی و عدم ثبات و پایداری منطقه می‌گردد.

اگر بخواهیم روابط میان ایران و اعراب و چه در میان خود اعراب را توصیف کنیم، اصطلاح اختلاف و تشنج معنی‌دارترین و رساترین واژه است. روابط ایران و همسایگان عربش در خلیج فارس به طور قابل توجهی از اختلافات شیعه و سنی مخدوش شده است، همچنین اختلافات عربی - ایرانی نیز بر روابط میان کشورها تأثیر منفی گذاشته است. در صورتی که ایران در این زمینه بر تشیع تأکید کند، به طور قطع بین ایران و کشورهای سنی مذهب فاصله ایجاد می‌شود و اگر بر ملیت ایرانی تأکید ورزد، در روابط ایران و اقوام عرب منطقه نوعی شکاف ایجاد خواهد شد. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۸۳)

از موارد دیگری که به دلیل عدم ثبات و پایداری منطقه، ایران را در منطقه در معرض آسیب‌های جدی و ناگهانی قرار می‌دهد، می‌توان به وجود هفت مرز زمینی (پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق) با کشورهای همسایه و شش مرز آبی (کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده‌ی عربی، عمان) در خلیج فارس اشاره کرد، که ایران را در موقعیتی قرار داده که می‌بایست علاوه بر مدیریت مرزها، همواره منتظر پیامدهای ناگواری نظیر هجوم آوارگان و مهاجران کشورهای همسایه به داخل خاک خود در اثر وقوع جنگ یا بروز بلایای طبیعی باشد. برای نمونه؛ می‌توان به هجوم آوارگان عراقی و افغانی در سال ۲۰۰۱ اشاره کرد که به دلیل حمله‌ی نظامی آمریکا، راه ایران را در پیش گرفته بودند. (فرصت‌ها و تهدیدهای ایران...، ۱۳۸۶)

روابط ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده و هیچگاه ایران یک استراتژی مشخصی را در قبال تمامی آنها به کار نگرفته است. برای مثال، راهبرد کلیدی ایران در قبال عراق بعد از صدام، فارغ از تجربه‌ی این دو کشور با یکدیگر، این بوده است که این کشور هیچگاه در شکل‌گیری جدید نظام سیاسی و اقتصادی به عراقی مشابه دهه‌ی ۱۹۸۰ بدل نگردد.

درخصوص روابط ایران با هند می‌توان گفت ایران در حال تحکیم روابط

خود با هند می‌باشد، هر چند این نزدیکی بیشتر به دلیل نیاز مبرم دهلی‌نو به نفت و گاز ارزان حادث شده است. در مورد روابط ایران با ترکیه باید اذعان کرد که نزدیکی زبانی و فرهنگ مردمان ما سبب شده است تا روابط این دو کشور از سال ۲۰۰۳ به این سو به دلیل احساسات مشترک نسبت به حضور نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان، بیش از گذشته مستحکم‌تر گردد. (فرصت‌ها و تهدیدهای ایران...، ۱۳۸۶)

در مورد روابط ایران با کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس باید گفت که این رابطه اگر چه در بیشتر مواقع بویژه در خصوص پرونده‌ی هسته‌ای ایران صمیمانه بوده است، اما با توجه به موضع‌گیری‌های اخیر رئیس‌جمهور ایران در برابر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، دیپلماسی ایران با اعراب با محدودیت‌هایی مواجه شده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران تمایل خود را برای بهبود روابط خود با کشورهای منطقه اعلام کرده است. ایران بهترین ترتیبات امنیتی برای منطقه را، با توجه به مسائل امنیتی آن، تأمین امنیت منطقه به دست کشورهای منطقه می‌داند و همواره بر سیاست عدم مداخله‌ی کشورهای خارجی تأکید می‌ورزد.

چالش‌های ناشی از اشغال عراق

با بروز تحولات جدید در عراق و شکل‌گیری نظام سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی جدید، هریک از بازیگران در جهت تثبیت موقعیت خود در منطقه تلاش می‌کنند. عراق جدید با توجه به ظرفیت‌های بسیار زیاد فرصت‌سازی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. اما در مقابل زمینه‌ساز چالش‌های جدیدی نیز می‌باشد. این چالش‌ها عبارتند از:

نظامی امنیتی

یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های تنش، ناامنی و بی‌اعتمادی در سطح منطقه

حضور نیروهای بیگانه و در رأس آنها نیروهای آمریکایی در عراق است. حضور نیروهای آمریکایی مهم‌ترین چالش امنیتی است که ایران با آن مواجه است. این چالش‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد.

تهدیدات ناشی از حضور بیگانگان در اطراف مرزهای ایران

۱ - حضور نیروهای بیگانه و در رأس آنها ایالات متحده‌ی آمریکا از چند زاویه منافع ایران را به خطر می‌اندازد. این حضور موجب بی‌ثباتی و ناامنی در اطراف مرزهای ایران می‌گردد. همچنین چنین حضوری نظم طبیعی منطقه را به هم ریخته و منجر به گسترش شکاف روزافزون میان دولت‌ها و ملت‌های مختلف منطقه می‌شود، نتیجه‌ی چنین امری گسترش بی‌اعتمادی میان حکومت‌ها از طریق یارگیری و وابستگی به حمایت امنیتی نیروهای مداخله‌گر خواهد بود، که در درازمدت نظم طبیعی منطقه را به هم می‌زند.

۲ - همچنین این حضور منجر به تضعیف نفوذ طبیعی ایران در عراق جدید می‌گردد. این نفوذ طبیعی حاصل پیوستگی تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ملت‌های دو کشور خصوصاً شیعیان است، که در نتیجه‌ی سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌ی صدام قطع شده بود، با تحولات جدید بار دیگر ارتباطات میان دو کشور افزایش یافت و این مسئله باعث نگرانی هرچه بیشتر ایالات متحده شده است و سعی در این دارد میدان عراق را به صحنه‌ی اصلی فشار برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل کند، حتی به طور ضمنی تهدید به استفاده از خاک عراق برای پیگیری سیاست تغییر رژیم این می‌کند و نتیجه‌ی این سیاست کاهش نفوذ ایران در عراق را به دنبال خواهد داشت. (برزگر، ۱۳۸۵: ۶۳)

۳ - حضور فزاینده‌ی نظامی ایالات متحده در منطقه‌ی می‌تواند جهت پشتیبانی از اسرائیل و برای سرکوب و خنثی‌سازی عملیات تلافی‌جویانه‌ی ایران پس از حمله‌ی اسرائیل باشد. افزایش سربازان و ناوهای آمریکایی در حوزه‌ی

خلیج فارس تنها برای ایجاد ثبات در عراق نیست، فرستادن ضد موشک‌های پاتریوت^۱ به منطقه شاید بیشتر جهت مقابله با موشک‌های شهاب ایران در نظر گرفته شده باشد، تا ایجاد امنیت در عراق. (یوسفی، ۱۳۸۵)

۴ - آمریکا برای تداوم حضور نیروهای نظامی خود در منطقه، ایجاد امنیت و کنترل منطقه را هدف خود قرار داده است. آمریکا در روند کنونی روابط خود با ایران، به راحتی می‌تواند ایران را منبع عمده‌ی ناامنی برای کشورهای منطقه معرفی کند و ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی و حفظ جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور خود در منطقه مطلوب نگه دارد. معاملات کلان و پرسود تسلیحاتی که بین ایالات متحده و کشورهای تولیدکننده‌ی تسلیحات و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس انجام می‌گیرد نه تنها منطقه امن و باثبات نخواهد شد، بلکه سبب ناامنی و دامن زدن به مسابقه‌ی تسلیحاتی و فروش بیشتر جنگ‌افزار می‌گردد این تحولات خود موجب چالش‌های امنیتی برای ایران است. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

۵ - آمریکا در سطح منطقه متحد جدید و نیرومندی خواهد یافت، که معادلات قدرت را به هم خواهد زد. به این معنا که با اضافه شدن آمریکا به بازیگران منطقه‌ای شاهد تبدیل ساختار سه‌جهمی به دو‌جهمی خواهیم بود. در این صورت آمریکا و متحدینش اعم از عراق و شیوخ منطقه در یک سو و جمهوری اسلامی ایران در سوی دیگر قرار خواهد گرفت. مزیت مدل مذکور برای آمریکا آن است که بدون نیاز به اتحاد منطقه‌ای میان عراق و شیوخ شبه جزیره، ساختار قدرت را دو قطبی می‌کند. در عین حال چون آمریکا جمهوری اسلامی را در ردیف کشورهای عضو ائتلاف اهریمنی قرار داده است، عراق و اعضای شورای

1 - Patriot

همکاری علی‌رغم برقراری رابطه‌ی نزدیک با جمهوری اسلامی از ائتلاف و اتحاد منطقه‌ای با آن امتناع خواهند کرد. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران آشکارا از ترتیبات امنیتی منطقه نیز کنار گذاشته خواهد شد، به بیان دیگر، ایالات متحده همه‌ی راه‌ها را مسدود کرده است تا جمهوری اسلامی ایران برای خروج از انزوا و حل معضلات منطقه‌ای خود مستقیماً با خود این کشور وارد تعامل شود و این به معنای پایان سیاست نادیده گرفتن ایالات متحده خواهد بود. (پورسعید، ۱۳۸۴)

ناتوانی در کنترل نظم و امنیت در عراق

روند انتقالی عراق، چالش‌هایی برای منافع ملی ایران به همراه دارد. در رأس این چالش‌ها که عمدتاً امنیتی می‌باشد، ناتوانی دولت فعلی در هدایت و کنترل نظم و امنیت کشور قرار دارد. در چنین شرایطی زمینه‌های بروز جنگ داخلی، گسترش فعالیت‌های تروریستی، درگیری‌های قومی مذهبی و... و خطرات ناشی از هدایت آنها به درون مرزهای ایران فراهم می‌شود.

سیاسی - امنیتی

در روابط بین ایران و عراق وجود رژیم بعثی مهم‌ترین خطری بود که سبب تهدیدات و چالش‌های امنیتی برای ایران می‌شد و اما با سرنگونی این رژیم تهدیدات سیاسی به گونه‌ای دیگر که بیشتر ناشی از خلأ قدرت، تهدیدات داخلی و همچنین اشتراکات قومی که زمینه‌ای جدایی‌طلبی است، موجب تنش در روابط ایران و عراق می‌گردد. از جمله‌ی چالش‌های سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

چالش‌های ناشی از روند انتقال دولت در عراق

برای جمهوری اسلامی ایران، روند انتقال دولت در عراق به دلیل سابقه‌ی روابط دو کشور و مسائل جاری اهمیت زیادی دارد. ناتوانی دولت فعلی در

هدایت و کنترل نظم و امنیت کشور، سبب شکل‌گیری چهار نوع جنگ داخلی متفاوت در عراق جدید می‌شود، که هر کدام به شکلی متفاوت منافع ایران را به خطر می‌اندازد.

۱ - جنگ میان نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و نیروهای مقاومت و ضدحکومتی (تروریست‌ها)؛

۲ - جنگ میان سنی‌ها و شیعیان دو کشور در مرکز عراق که عمدتاً جنگ برای تثبیت قدرت است؛

۳ - جنگ میان جریان‌های تندرو سلفی، القاعده و بعثی‌ها با دولت فعلی عراق؛

۴ - در درجه‌ای کمتر، جنگ میان گروه‌های مختلف سیاسی کرد و سایر اقوام در شمال عراق برای تثبیت مرزهای نفوذ. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۵۰؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۵)

شکاف میان دموکراسی‌سازی و امنیت‌سازی

یکی از دلایل اصلی‌ای که شعار دموکراسی‌سازی آمریکا در منطقه مورد استقبال توده‌ها و دولت‌های منطقه قرار نمی‌گیرد، تضاد آشکار آن با مسئله‌ی امنیت‌سازی است. یکی از اهداف دموکراسی تقویت نقش ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌باشد، که این امر منجر به گسترش تقاضاهای سیاسی و نهایتاً ناامنی در کوتاه مدت می‌شود، و ناامنی خود به خود مانع از گسترش دموکراسی می‌گردد، که این امر نیاز به یک دولت مرکزی قوی برای ایجاد امنیت را ضروری می‌سازد. (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۵۰) گرچه با کمک ایالات متحده فرصت نهادینه شدن فرآیندهای دموکراتیک برای عراق ایجاد شد، اما برخلاف پیش‌بینی‌ها و تصورات اولیه نتوانست در کوتاه مدت عراق را به شکل یک دموکراسی مدرن با اقتصاد بازار آزاد درآورد. بنابراین، عراق در کوتاه مدت به نمونه‌ی آنچه یک کشور باید

باشد، یا توانایی واشنگتن در ایجاد یک دموکراسی برای منطقه تبدیل نخواهد شد، اما در میان مدت باید به آینده‌ی عراق امیدوار بود. (برنا، ۱۳۸۳: ۸۷)

توجه به این نکته لازم و ضروری است که دموکراسی ایجاد شده در عراق، یک نوع دموکراسی غربی و هدایت شده‌ای است که ممکن است با نظام سیاسی ایران در تعارض باشد و بر امنیت و منافع ملی ایران آثار جدی برجای گذارد.

چالش اجرای فدرالیسم در قانون اساسی ایران

به رسمیت شناختن حق فدرالیسم در قانون اساسی خود از زمینه‌های مهم و بالقوه‌ی چالش می‌باشد که منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله به خصوص در زمینه‌ی به رسمیت شناختن ضمنی سیستم حکومتی فدرالیسم در منطقه‌ی کردستان عراق بر اساس ماده‌ی ۱۱۴ قانون اساسی برای ایران حائز اهمیت می‌باشد. (همشهری، دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۸۵) هر چند به کارگیری فدرالیسم ممکن است گاهی در جهت پیشرفت منطقه باشد ولی به دلیل وجود مرزهای ساختگی و عدم تساهل و پذیرش یکدیگر از سوی قومیت‌ها، این مسئله ملاک شکل‌گیری تنش و تضادی است که می‌تواند آثار زیانباری بر منطقه داشته باشد. در مورد کردها، بی‌تردید خودمختاری روزافزون آنها از سوی کشورهای منطقه همچون ترکیه، ایران و سوریه به عنوان مقدمه‌ای برای استقلال تلقی می‌شود که با توجه به حضور اقلیت‌های کرد در مرزهای سرزمینی اطراف، آثار منفی بر امنیت ملی این کشورها از جمله ایران از طریق گسترش تمایلات استقلال خواهی و پیوستن به سرزمین اصلی خواهد داشت.

خطرات ناشی از خلأ قدرت در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

سطح داخلی عراق

ناتوانی دولت جدید در برقراری امنیت و عدم شکل‌گیری یک قدرت در سطح

داخلی عراق، موجب رقابت و اختلاف نظر بین گروه‌های مختلف شیعه، کرد و سنی از یک سو و اختلافات درون گروهی هر یک از آنها در جهت پر کردن خلأ قدرت از سوی دیگر موجب تنش در سطح کشور شده است. فقدان اعتماد بین طرف‌های درگیر و نبود نهادی که قادر به تضمین امنیت عمومی باشد، درجه‌ی منازعه و خشونت را از مرحله‌ی ابتدایی به مرحله‌ی بحرانی رسانده است.

سطح منطقه‌ای

رقابت در سطح منطقه‌ای در جهت پر کردن خلأ قدرت، از دو جهت قابل بررسی است. نخست، رقابت ایران و جهان عرب؛ عمدتاً میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای در صحنه‌ی عراق جدید از یک طرف و بازیگران مهمی همچون عربستان سعودی، مصر و اردن از طرف دیگر می‌باشد. آنچه که بیش از همه جهان عرب را نگران می‌کند گسترش نفوذ سیاسی و فرهنگی شیعیان در سرتاسر منطقه می‌باشد.

دوم، رقابت در درون جهان عرب؛ بازیگرانی همچون عربستان سعودی، مصر و سوریه هر کدام با دیدگاه خاصی سعی در جهت نفوذ در عراق تلاش می‌کنند، که این امر خود سبب ایجاد نوعی تنش در روابط کشورهای منطقه شده است. طبق گفته‌ی زیباری، وزیر امور خارجه‌ی عراق، ایران هرچند که می‌تواند در صورت عقب‌نشینی نظامیان آمریکا از عراق، خلأ ایجاد شده ناشی از این عقب‌نشینی را پر کند ولی ایران را متهم به دخالت نظامی در امور داخلی عراق می‌کند. وی در این زمینه معتقد است، که نیرو و سلاح ایران در حمله به نظامیان مورد استفاده قرار می‌گیرد (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۱۶ مهر ۱۳۸۶). باید اذعان نمود آنچه که ایران خواهان آن است ثبات و امنیت در منطقه، به خصوص در همسایگان ایران و همچنین ایجاد نوعی هماهنگی مدیریت بحران و ارتباط با گروه‌های عراقی را مدنظر قرار داده است.

سطح نظام بین الملل

منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه و ایجاد نوعی خلأ قدرت در عراق سطحی از رقابت در میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده است، این رقابت در قالب مشروعیت آغاز جنگ و تداوم حضور نیروهای اشغالگر بین گروه‌های موافق و مخالف جنگ در غرب یعنی ایالات متحده و انگلستان از یک سو و فرانسه و آلمان از سوی دیگر از همان ابتدا وجود داشته و در حال حاضر نیز تداوم دارد. روسیه و چین که خواهان حفظ نفوذ سنتی خود و توسعه‌ی روابط اقتصادی با آن می‌باشند از روند هدایت و تداوم جنگ راضی نیستند، این امر بی‌تردید بر روابط ایران با این گروه از کشورها تأثیرگذار می‌باشد.

در سطح دوم، می‌توان به رقابت بین ایران و آمریکا برای گسترش نفوذ در عراق اشاره کرد. سیاست خارجی آمریکا به جای اینکه مبتنی بر تقویت انتقال عراق و حرکت آن به سوی ثبات و با تأکید بر در نظر گرفتن واقعیات سیاسی، فرهنگی و هویتی ساختار قدرت و سیاست عراق و همکاری با کشورهای مهم منطقه همچون ایران استوار باشد، مبتنی بر حذف نقش و نفوذ آنهاست که در نهایت به نفع صلح و امنیت منطقه‌ای نیست. در مجموع خلأ قدرت و حضور بازیگران رقیب در عراق جدید زمینه‌ی چالش‌های زیادی برای منافع و امنیت ایران ایجاد می‌کند.

چالش‌های قومی مذهبی

ایران کشوری است که از اقوام مختلف تشکیل شده است و بخش بزرگی از این اقوام (بویژه اقوام سنی مذهب) در کشورهای همجوار نیز سکونت دارند. از جمله اقوام ایرانی می‌توان به آذری‌ها، کردها، اعراب، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها اشاره کرد که از لحاظ تاریخی و جغرافیایی، زبان، مذهب، شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی با هم‌کیشان خود در آن سوی مرزهای ملی ویژگی‌های مشترکی دارند.

(بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳) بر این اساس گرایش‌های قوم‌گرایانه و حرکت به سوی خود مختاری بیشتر کشورهای همجوار بر منافع ملی ایران نیز تأثیر می‌گذارد و چالش‌های جدیدی را برای امنیت ملی ایران به همراه دارد. در زمینه‌ی کردها، می‌توان گفت کردها در طول پانزده سال گذشته به دلیل شرایط خاص ناشی از انزوای رژیم بعثی و تضعیف قدرت دولت مرکزی و همچنین حمایت نظام بین‌الملل، عناصر مشهودی از خودمختاری و حرکت به سوی استقلال را تجربه کرده‌اند، با سقوط رژیم بعثی و شکل‌گیری تحولات جدید مناطق کردنشین خواهان خودمختاری در حاکمیت فعلی عراق، دستیابی به سرزمین‌های وسیع‌تر و نفت‌خیز همچون کرکوک، تشکیل و تقویت زمینه‌های مستقل قدرت، گنجاندن اصولی همچون فدرالیسم در قانون اساسی جدید عراق و مواردی از این قبیل، تأثیرات به‌سزایی در مناطق کردنشین ایران داشته است. در مورد اعراب نیز استفاده از گرایش‌های قوم‌گرایانه و تقویت حرکت‌های تجزیه‌طلبانه توسط دولت‌های خارجی در میان این قوم سابقه‌ای طولانی دارد، دولت‌های انگلستان و عراق در مقاطع مختلف تاریخی سعی کردند با طرح‌های مختلف تجزیه‌ی خوزستان، به عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده کنند، که همه‌ی آنها تاکنون به شکست منجر شده است. مهم‌ترین این طرح‌ها عبارتند از: طرح تجزیه‌ی خوزستان در زمان ملی شدن صنعت نفت؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در سال ۱۳۳۸ در زمان عبدالکریم قاسم؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در سال ۱۳۴۳؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در زمان حزب بعث که یکی از دلایل حمله‌ی عراق به ایران بود، و نهایتاً قضایای اخیر در مناطق عرب‌نشین خوزستان که بی‌تردید دست عوامل خارجی در آن کاملاً مشهود می‌باشد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

با بروز تحولات جدید در عراق، ایران باید مانع هرگونه احساسات ملی‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه‌ی عربی در این منطقه گردد. در مورد چالش مذهبی می‌توان به رقابت‌های ایدئولوژیک میان گروه‌های شیعی و سنی اشاره کرد.

وضعیت جدید در عراق که همراه با قرار گرفتن شیعیان در رأس قدرت می‌باشد زمینه‌های رقابت و شکل‌گیری نوعی فتنه‌ی مذهبی و حرکت به سوی افراط‌گری مذهبی را بین شیعه و سنی در منطقه فراهم می‌کند. (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۶۹) در واقع برای اولین بار در جهان عرب یک دولت شیعی در رأس ساختار حکومتی یک کشور عربی قرار گرفته است، این عامل می‌تواند موجب افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی با عراق گردد که این مسئله شدیداً مورد مخالفت جهان عرب گردیده و ایران را متهم به دخالت در امور داخلی عراق و حمایت از گروه‌های شیعی می‌کنند. در همین ارتباط می‌توان گفت: بوش در اظهارات خویش جمهوری اسلامی را متهم به حمایت از تروریست‌ها و شورشیانی می‌کند که خواهان از بین بردن تمامیت ارضی و ثبات در منطقه می‌باشند. (کامل، ۱۳۸۵: ۶)

همگی این مسائل موجب تنش جدی در روابط ایران نه تنها با جهان عرب بلکه با ملت‌ها و توده‌ها می‌شود. از طرف دیگر، تحولی که در حال حاضر در جریان است، تضعیف هویت شیعی جمهوری اسلامی ایران از سوی شیعیان و نه سنی‌هاست، آمریکا در عراق در درجه‌ی نخست، سعی در همراه کردن شیعیان با خود می‌باشد، تا از امتیاز شیعیان برای تغییر رفتار ایران استفاده کند. نتیجه‌ی چنین وضعی به وجود آمدن وضعیت متناقض نما و در واقع نوعی چرخه‌ی تکراری در مورد شیعیان است که به نفع آمریکا و به ضرر ایران می‌باشد، ادامه‌ی این وضعیت، یعنی بهبود بی‌سابقه‌ی موقعیت شیعیان در کشورهای منطقه به واسطه‌ی اقدامات آمریکا خواهد بود تا در عمل، برگ برنده‌ی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه یعنی اقلیت‌های شیعی اندک اندک از دست ایران خارج شده و علیه آن وارد عمل شود.

اقتصادی

در روابط اقتصادی با عراق بعد از سقوط رژیم بعثی، فرصت‌های اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در دوران حکومت صدام حسین، ایران و عراق هر دو، در قبال سیاست‌های نفتی و مسائل مربوط به اوپک دارای خط‌مشی واحدی بودند و هر دو کشور از کاهش تولید و افزایش قیمت نفت طرفداری می‌کردند، با حمله‌ی آمریکا به عراق تنها پیامدهای نگران‌کننده‌ی اشغال عراق بر ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک، به خطر افتادن ثبات نسبی حاکم بر بهای نفت است، بویژه اگر صدور نفت عراق به بازارهای جهانی به حداکثر برسد یا عراق از اوپک خارج گردد. به مورد دیگری که در این زمینه می‌توان اشاره کرد؛ تسلط آمریکا بر چرخه‌ی اقتصادی عراق در دراز مدت است که این خود می‌تواند چالشی در زمینه‌ی مرزهای سرزمین نفتی و تأثیرگذاری بر قیمت نفت ایجاد نماید.

مسلم این است که با پخش خبر حمله‌ی آمریکا به عراق بهای نفت به شدت افزایش یافت. جنگ در عراق قیمت نفت را از بشکه‌ای ۵۵ دلار به بشکه‌ای ۶۵ دلار افزایش داد، ولی از آنجا که ایران دو برابر عراق آن زمان نفت تولید می‌کند و صادرات آن از عراق بیشتر است، می‌تواند قیمت نفت را به بشکه‌ای صد دلار برساند. از آن گذشته ایران به خاطر موقعیت استراتژیک جغرافیایی و توان نظامی تهدیدی جدی‌تری برای انتقال نفت در منطقه خواهد بود. نتیجه آن که بورس سهام متزلزل می‌شود و ارزش دلار تنزلی فاحش می‌یابد، برای پیش‌گیری از پیامدهای آتی، آمریکا در مخازن خود تا ۹۵ درصد ظرفیت آنها نفت ذخیره کرده است، به طوری که حتی بدون صرفه‌جویی قادر است تا ۷۵ روز نیاز سوخت داخلی خود را از این مخازن تأمین کند. (یوسفی، ۱۳۸۵)

روزنامه‌ی «تشرین» نیز در مقاله‌ی خود نوشت «آمریکا درصدد تشکیل یک امپراطوری نفتی در جهان است». تشرین افزود: قصد آمریکا برای حمله نظامی به عراق، نخستین گام در تحقق این امپراطوری است. (ایرنا، ۲۱ مهر ۱۳۸۶)

آمریکا و شرکت‌های نفتی آن از تصمیمات و کنترل تولید و بازار نفت از سوی سازمان اوپک خسته شده‌اند. بنابراین درصدد هستند با به دست گرفتن اختیار منابع نفتی عراق که از بزرگ‌ترین منبع نفتی جهان محسوب می‌شود به سیطره‌ی اوپک و کشورهای عضو آن پایان دهند، پایگاه اینترنتی «عرب آنلاین» نیز نوشت: اگر نفت عراق به دست آمریکا بیفتد، دیگر نیاز به نفت روسیه کمتر خواهد شد، قبول این فرضیه (تسلط آمریکا بر منابع نفتی عراق) ممکن است تأثیر نامطلوبی بر معادلات و تقاضای نفتی ایران داشته باشد.

زیست محیطی - بهداشتی

آلودگی محیط رودخانه‌ای و دریایی توسط آلاینده‌های گوناگون و مؤثر بر ساختمان طبیعی آب اثرات زیان‌آوری روی ارگانیسم آب و در نتیجه بر بشر دارد. این آثار شامل مواد مسموم کننده‌ای می‌شود که از راه مصرف غذاهای دریایی مسموم صورت می‌گیرد و سلامتی بشر را تهدید می‌کند. علاوه بر آلودگی ناشی از عدم رعایت موازین بهداشتی در شط‌العرب خلیج فارس به علت وقوع دو جنگ ویرانگر، و بعد از آن حمله‌ی آمریکا به عراق، محیط زیست منطقه از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. شط‌العرب و زمین‌های اطراف دو کشور را هنوز مواد متعددی از ابزارها و مواد منفجر شده و مواد منفجر نشده تشکیل می‌دهد که محیط زیست ساکنین منطقه را در خطر انداخته است، بویژه، در حمله‌ی آمریکا به عراق روزانه شاهد منفجر شدن تعداد کثیری از مواد منفجره در اطراف مرزهای عراق هستیم.

همچنین، در جنگ اخیر آمریکا به عراق میلیون‌ها تن نفت به دریا سرازیر شد که هنوز آثار آن بر محیط زیست دریایی مشهود است. لذا با توجه به این که بازسازی اوضاع در منطقه و بویژه آنچه که مستقیماً در اختیار ایران و عراق قرار دارد امکان‌پذیر است. بنابراین دو کشور می‌توانند با همکاری یکدیگر از طریق

برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت اقدامات جدی‌ای را در زمینه‌ی پاکسازی محیط مرزی، زمینی و آبی به عمل آورند، در این زمینه می‌توان به امضای یادداشت تفاهم همکاری زیست محیطی بین ایران و عراق اشاره کرد. این تفاهم‌نامه در هشت بند در حوزه‌های محیط زیست انسانی، محیط زیست طبیعی، محیط زیست دریایی، آموزش و انتقال تجربیات و دانش و ایجاد کمیته‌ی مشترک کاری، برای اجرایی شدن یادداشت تفاهم به امضای دو طرف رسید. همکاری ایران و عراق برای کنترل آلودگی‌های ناشی از صنایع، ممنوعیت شکار در طول نوار مرزی مشترک، بیماری قابل انتقال از طریق حیات وحش، طبیعت‌گردی، بررسی و کاهش آلودگی‌های آب، خاک و هوا ناشی از استخراج و نقل و انتقال مواد نفتی، بررسی تأثیرات ناشی از جنگ بر سلامت انسان و محیط زیست از جمله مسائل مطرح شده در این یادداشت تفاهم است. (ایرنا، ۲۳ بهمن ۱۳۸۶)

بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق انواع بیماری‌های مختلف در عراق و بویژه، در مرزهای ایران شیوع پیدا کرد. گسترش انواع بیماری آنفولانزای پرنندگان، سل، مالاریا، ایدز، وبا، اعتیاد و بیماری‌های واگیردار و غیرواگیردار دیگر در کشور عراق سبب نگرانی کشورهای همسایه بویژه، اعضای اکو در مورد بیماری آنفولانزای پرنندگان شده است. از جمله بیماری‌ای که در کشور ما شاهد گسترش آن بودیم، بیماری وبا بود که البته با کنترل و نظارت مسولین این بیماری تحت کنترل درآمد، علت ناتوانی کشور عراق در کنترل بیماری وبا ممنوعیت عرضه‌ی کلر به این کشور است، که علت این امر را می‌توان در کاربرد کلر در ساخت بمب دانست. (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۷ مهر ۱۳۸۶)

مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران با اقدامات زیر سعی در گسترش خدمات بهداشتی و عدم گسترش بیماری به داخل مرزهای ایران هستند.

- ۱ - کنترل مرزهای جغرافیایی ایران و عراق؛
- ۲ - عرضه‌ی آب سالم و دیگر خدمات بهداشتی به کشور عراق و کمک به

خط لوله‌کشی در عراق؛

۳ - کنترل مراودت‌ها و روابط بین مردم دو کشور ایران و عراق؛

۴ - آموزش امور بهداشتی به زائرین و

فرصت‌های عراق برای ایران

ایران و عراق دو کشوری هستند که وجود مرزهای طولانی، اشتراکات جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی و... زمینه‌ساز به هم پیوستگی تاریخی بین دو ملت و نزدیکی آنها بوده است. ریشه‌های تنش چند دهه‌ی اخیر، نه صرفاً بر مبنای اختلافات عمیق و راهبردی بلکه به دلیل سیاست‌های قدرت‌های خارجی و رقابت‌های منطقه‌ای دو کشور بوده است. بروز تحولات سیاسی جدید و بر کناری رژیم بعثی می‌تواند نقطه‌ی عطفی در تنظیم روابط دو کشور و همچنین ایجاد فرصت‌سازی مختلف برای ایران گردد. این فرصت‌ها عبارتند از:

نظامی - امنیتی

فرصت‌هایی که در حوزه‌ی امنیتی و نظامی پس از سقوط رژیم بعثی برای ایران پدید آمده است به طور مشخص می‌توان به چند مورد اشاره کرد.

۱ - سقوط رژیم صدام، خود دستاورد و فرصت بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. زیرا گذشته از این که صدام جنگی هشت ساله با میلیارد‌ها دلار خسارت اقتصادی و صدها هزار تلفات انسانی بر ایران تحمیل کرد، پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران، عملاً به غیر از مسئله‌ی تبادل اسرا هیچ پیشرفت محسوسی در دیگر مسائل مورد مذاکره پدید نیامد و وضعیت ترک مخاصمه بر روابط دو کشور حاکم بود. به عبارت روشن‌تر پایان جنگ هشت ساله و پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ به مفهوم برقراری صلح میان دو کشور نبود و اگر حکومت صدام سرپا می‌ماند بی‌تردید ناامنی در مرزهای دو کشور همچنان

باقی می‌ماند. بویژه، آنکه رژیم بعثی صدام حتی در آخرین روزهای فروپاشی خود نیز حاضر به پذیرش موافقت‌نامه‌ی الجزایر نشد. علاوه بر آن عراق تحت حاکمیت صدام تهدیدی اصلی در بین همسایگان ایران بود، زیرا دولت این کشور تنها دولتی بود که نسبت به مناطق عرب نشین ایران و شط‌العرب به دیده‌ی طمع می‌نگریست و سیاست‌های نظامی این کشور بویژه، با توجه به میل به دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی برای امنیت ایران تلقی می‌گردید. از این رو با فروپاشی رژیم بعثی صدام و حضور شیعیان در صحنه‌ی قدرت زمینه برای گسترش ارتباط و حل اختلافات بین دو کشور با تأکید بر اشتراکات فرهنگی و قومی فراهم گردید. (احمدزاده، ۱۳۸۵)

۲ - با فروپاشی رژیم بعثی در عراق مخالفان جمهوری اسلامی ایران که برای سال‌های متمادی در این کشور مستقر بودند و به کمک عراق حملاتی را علیه ایران انجام می‌دادند، خلع سلاح شده، برخی از آنها یا عراق را ترک کرده و یا اینکه در محاصره‌ی دولت‌های اشغالگر قرار گرفته‌اند. (احمدزاده، ۱۳۸۵)

۳ - یکی از نتایج مداخله‌ی نظامی واشنگتن در خاورمیانه از زمان ۱۱ سپتامبر تاکنون، تغییر بنیادین موازنه‌ی قدرت در منطقه به نفع ایران بوده است. آمریکا با حمله به افغانستان و عراق موجب خلع قدرت طالبان و نیز برکناری و اعدام صدام حسین شد که به عنوان دو تهدید عمده در غرب و شرق ایران به حساب می‌آمدند. در نتیجه ایران به عنوان مرکزیت قدرت در منطقه ظهور خواهد کرد که این امر با قدرت‌گیری شیعیان در عراق افزایش می‌یابد. البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که تنها رقیب ایران در منطقه اسرائیل خواهد بود که این ناشی از سیاست ایالات متحده‌ی آمریکا است تا بتواند جبهه‌ی متحدین سنتی عرب را در کنار خود قرار دهد و بر منطقه‌ی هارتلند سنتی اعراب مسلط شود.

سیاسی - امنیتی

در طول قرن بیستم شیعیان عراق همواره از سوی حکام نظامی خود متهم می- شدند که به ناسیونالیسم عربی و ملیت عراقی پایبند نیستند. آنها عوامل ایران هستند، چشم امید به آن سوی مرزها دارند. اگرچه رژیم‌های کودتایی پس از ۱۹۸۵، هیچ‌گاه روابط مناسبی با کشورهای عربی برقرار نکردند، اما سیاست تبلیغی آنها علیه شیعیان با حمایت رهبران این کشورها مواجه می‌شد. (کرمی، ۱۳۸۲: ۲)

ریشه‌ی نادیده گرفتن حقوق سیاسی شیعیان و سرکوب آنها را باید به لحاظ تاریخی در رفتار دولت عثمانی، سیاست‌های استعماری انگلیس و دولت‌های عراق، به خصوص از سال ۱۹۶۸ که نقطه‌ی عطفی در نهادینه شدن ساختار بعثی گردید، دنبال کرد.

بزرگ‌ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته ایجاد حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است. تحولات سیاسی جدید در عراق شکل و ماهیت قدرت در عراق و جایگاه و روابط این کشور با همسایگان را تغییر داده است. افزایش نقش شیعیان و کردها در صحنه‌ی سیاسی عراق متغیرها و ویژگی‌های جدیدی را مطرح می‌کند که عمدتاً در چارچوب نوع نگاه گونه‌های جدید سیاسی در روابط با همسایگان از جمله ایران است. در اینجاست که منطق ایجاد تعادل و توازن قدرت در صحنه‌ی عراق جدید معنا می‌یابد. در چارچوب ایجاد تعادل در عراق جدید، شیعیان عراق خواهان روابط نزدیک مبتنی بر ویژگی‌ها و علائق قومی، ایدئولوژیک و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران هستند. این امر از یک سو به دلیل وجود سابقه‌ی اشتراکات فرهنگی و تاریخی است، و از سوی دیگر به دلیل اهمیت نقش ایران نزد شیعیان در متعادل کردن سایر هویت‌های عراق در صحنه‌ی سیاسی می‌باشد؛ یعنی شیعیان عراق به دلیل اینکه دوست طبیعی دیگری در سطح منطقه غیر از ایران ندارند، خواهان حضور پررنگ ایران در صحنه‌ی قدرت عراق جدید می‌باشند. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۱۸) لذا

هرگونه افزایش نقش ایران در نزد شیعیان به معنای افزایش جایگاه ایران در سطح منطقه به حساب می‌آید که این امر از طریق روند دموکراسی‌سازی در عراق اهمیت پیدا می‌کند. چرا که روند دموکراسی‌سازی در عراق موجب تعادل میان قومیت‌های مختلف و در نهایت تشکیل یک عراق متعادل می‌گردد که هیچگاه عراق را به سوی نظامی‌گری، افراط‌گرایی و تهدید همسایگان خود نخواهد برد. این تعادل میان هر یک از گروه‌های قومی عراق سبب می‌گردد تا منافع خود را در همکاری با کشورهای همسایه دنبال کنند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از طریق همکاری با عراق می‌تواند به بسیاری از اهداف استراتژیک خود از جمله تعریف جدید از مشارکت در ترتیبات امنیتی منطقه و تنظیم روابط متعادل در جهان عرب و قدرت‌های بزرگ دست یابد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۴۹) همچنین ایران می‌تواند با رفع اختلاف ارضی و موضوعات بر جای مانده از دوران جنگ دریچه‌ای تازه در روابط دو کشور پدید آورد، از لحاظ سیاسی - استراتژیک عراق می‌تواند از حالت متعادل کننده‌ی قدرت ایران خارج شود و در طرح استراتژی‌های سیاسی - استراتژیک حتی در کنار ایران قرار گیرد. به عبارت دیگر، با خروج از تعریف سنتی توازن قوا، فرصت جدیدی برای ایران فراهم می‌شود تا به تعریف نقش منطقه‌ای خود به عنوان یک بازیگر و قدرت منطقه‌ای بپردازد. (برنا، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

قانون اساسی و نظام پارلمانی عراق که حکومت اکثریت را به رسمیت می‌شناسد، مهم‌ترین مبدأ فرصت‌سازی برای ایران را فراهم می‌کند. حکومت اکثریت در عراق جدید مساوی با حکومت شیعیان دوست ایران است، ایران بیشترین مرز زمینی با عراق را دارد و عراق تنها جایی است که از لحاظ استراتژیک شیعیان آن اتصال مستقیم با مرزهای ایران دارند. بر مبنای حکومت اکثریت، شیعیان می‌توانند دولت آینده‌ی عراق را تعیین کنند و اکثریت مشاغل مهم لشکری و کشوری و قضایی را از طریق پارلمان و سیستم نخست وزیری در

اختیار بگیرند. در نتیجه با تقویت جریان شیعه‌ی فعلی و جایگزین در قالب جدید سیاسی، ایران می‌تواند روند تثبیت سیاسی اوضاع را در جهت دستیابی به اهداف استراتژیک به نفع خود به انجام برساند. (برزگر، ۱۳۸۵: ۷۹)

از فرصت‌های دیگری که با توسعه‌ی قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق ایجاد شده است، پیگیری مسئله‌ی گروه‌های معارض ایرانی مستقر در داخل عراق از جمله حزب دمکرات، کومله و بویژه، حضور سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در آن کشور می‌باشد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در آینده می‌تواند موضوع گروه‌های مزبور را در دستور کار مذاکرات دوجانبه قرار دهد. در مجموع با توجه به اینکه هر سه گروه فوق از مشروعیت و اقتدار داخلی قابل اتکایی برخوردار نیستند، از ناحیه‌ی این گروه‌ها تهدید مؤثری متوجه ایران نیست، به همین صورت به نظر می‌رسد، در مناسبات دو جانبه‌ی ایران و عراق طی سال‌های آینده، بیشتر وجه سلبی این تهدید به عنوان فرصت مدنظر باشد.

اقتصادی

سابقه‌ی مبادلات اقتصادی بین ایران و عراق به دهه‌های قبل برمی‌گردد. زمانی که مبادلات تجاری و اقتصادی به طور منظم میان دو منطقه‌ی بین‌النهرین در جریان بوده و نقش مهمی در تبدیل این منطقه به مسیر ترانزیتی کالاهای وارداتی - صادراتی ایران داشتند. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۷) همچنین وجود مراکز مذهبی و حوزه‌های علمیه و راه‌های تجاری به سوی غرب و مجاورت با مراکز بزرگ تجاری خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله عواملی بودند که تداوم نقش بین‌النهرین و بازرگانی خارجی ایران را طی قرون متمادی سبب می‌شدند. پیوستگی روابط اقتصادی در قرن بیستم بین دو کشور با فراز و نشیب‌هایی همراه بود که به چهار دوره می‌توان آن را تقسیم کرد.

دوره‌ی اول، سال (۱۹۵۸ - ۱۹۲۰) که دوره‌ی همکاری و تفاهم نسبی است؛

دوره‌ی دوم، سال (۱۹۸۸ - ۱۹۵۸) را شامل می‌شود که در واقع دوره‌ی کشمکش و خصومت سیاسی بین دو طرف است که بر روابط اقتصادی طرفین نیز تأثیر منفی می‌گذارد؛

دوره‌ی سوم، از سال (۲۰۰۳ - ۱۹۸۸) می‌باشد که دوره‌ی ابهام نامیده می‌شود، به دلیل قضایای بی‌اعتمادی و سوءظن و سابقه‌ی جنگ، نوع روابط اقتصادی دو طرف نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. (تیشه‌یار و ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۷۶)

دوره‌ی چهارم، سال‌های بعد از ۲۰۰۳ تاکنون را شامل می‌شود که با تغییر رژیم بعثی صدام حسین زمینه‌های طبیعی و مشترک روابط اقتصادی بین دو کشور را فراهم کرده است. وجود حکومت بعثی و تضادهای سیاسی بین ایران و عراق مانع اصلی گسترش روابط اقتصادی و فرصت‌سازی بین دو کشور بوده است، روابط تجاری ایران و عراق بعد از تهاجم به عراق در سال ۲۰۰۳ حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است و ایران بعد از سوریه در سال ۲۰۰۵ با صادرات ۲۲ درصد و ترکیه با صادرات ۲۱ درصد در جایگاه سوم، کشورهایی است که بیشتر صادرات را به عراق دارد. (آفتاب، ۲۴ اسفند ۱۳۸۵)

در کل می‌توان طبق آمار به دست آمده طی دوره‌ی زمانی (۸۴ - ۱۳۷۷) حجم واردات ایران به عراق را جمعاً ۲۶۰ میلیون دلار برآورد کرد که این آمار تا سال ۸۵ به ۷۱۸ میلیون دلار هم رسیده است و منجر به تغییر جایگاه ایران در میان کشورهای گردید که بیشترین صادرات را به عراق دارند، ایران همواره آماده‌ی مشارکت در طرح‌های بازسازی عراق بوده است و با توجه به اینکه عراق عضو اوپک نیز می‌باشد خواهان مبادله‌ی نفت خام و توسعه‌ی حوزه‌های نفتی مشترک مرزی با این کشور است. مهم‌ترین صادرات ایران به عراق عبارتند از: کالاهای مصرفی، کالاهای خانگی، سیستم‌های تهویه‌ی هوا، یخچال، پودرهای شوینده و همچنین مصالح ساختمانی، تاجران عراقی ترجیح می‌دهند از ایران کالاهای مورد نیاز خود را تأمین کنند چرا که مرزهای ایران نسبت به مرزهای

سوریه و اردن که کانون حضور نیروهای شورشی سنی هستند، بسیار امن‌تر و ایمن‌تر هستند اکثر تاجران ایران ترجیح می‌دهند در کردستان که منطقه‌ی باثبات‌تری است سرمایه‌گذاری کنند، چرا که در حال حاضر امنیت مهم‌ترین مشکل موجود در عراق است. با این وجود در حال حاضر حدود ۱۰۰ شرکت ایرانی در کردستان عراق به ثبت رسیده است که سرمایه‌ی آنها بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار می‌شود. (ایرنا، اسفند ماه ۱۳۸۵)

از دیگر خدمات اقتصادی ایران به عراق می‌توان از پرداخت وام یک میلیارد دلاری به عراق برای اجرای طرح‌های زیربنایی در آن کشور خبر داد. با پرداخت این وام ایران می‌تواند سهم خوبی در اجرای پروژه‌های زیربنایی عراق داشته باشد (فارس، ۲۴ بهمن ۱۳۸۶). شهرهای مرزی ایران از جمله شلمچه - مهران، خسروی، پرویزخان، باشماق و تمرچین مهم‌ترین کانون‌های فعال در منطقه‌ی غرب ایران هستند که برای صادرات به کشور عراق فعال هستند و مرز دریایی اروند کنار نیز در آینده‌ای نزدیک به این مرزها اضافه می‌شود. از موارد بالقوه‌ی فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق جدید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱ - بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی؛
- ۲ - بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز؛
- ۳ - بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه‌ی منابع آبی؛
- ۴ - بازسازی و ساخت شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و راه‌آهن؛
- ۵ - بازسازی و ساخت پالایشگاه‌های نفت، گازوئیل، پتروشیمی؛
- ۶ - ساخت کارخانه‌های سیمان و مواد ساختمانی. (برزگر، ۱۳۸۵: ۹۴؛ عزتی، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

مسئله‌ی مهم دیگری که زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران در عراق را فراهم می‌سازد، گسترش توقعات جدید اقتصادی گروه‌های سیاسی قومی عراق

بویژه، شیعیان و کردها می‌باشند که به دلیل اشتراکات فرهنگی و مذهبی بی‌تردید با تحولات انجام شده در حاکمیت عراق جایگاه ایران را در روابط اقتصادی با عراق افزایش داده است. مناطق کردنشین بویژه، شیعه‌نشین که بیشترین جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در طول سه دهه‌ی گذشته به دلیل شرایط جنگی و سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم بعثی بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی این مناطق کاملاً نابود گردید، از این رو در شرایط جدید، برخلاف گذشته شیعیان از قدرت متناسبی در حاکمیت عراق برخوردارند و زمینه‌ای ایجاد شد تا بتوانند توقعات اقتصادی خود را باز تعریف کنند. اشتراکات و پیوستگی‌های فرهنگی شیعیان و کردهای عراقی با مناطق کردنشین ایران موجب تقویت زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران در این مناطق شده است. در حال حاضر بسیاری از کالاهای ایرانی با استقبال مشتریان و مصرف‌کنندگان در مناطق کردنشین مواجه شده است. شهرهای مرزی ایران (سنندج، مهران، شلمچه، چذابه) را می‌توان مهم‌ترین کانون‌های فعال برای تبادلات اقتصادی بین ایران و عراق بویژه، مناطق کردنشین دانست، با گسترش روابط اقتصادی بین ایران و عراق ما شاهد هر چه بیشتر تبادلات اقتصادی و تجاری بین این دو کشور خواهیم بود.

باتوجه به موارد اشاره شده می‌توان بیان کرد که در شرایط حاضر با رفع محدودیت‌های سابق و همچنین ظرفیت‌های گسترده و بالقوه‌ی اقتصاد عراق، گسترش فعالیت‌ها و تبادلات اقتصادی با مناطق غربی ایران به دلیل وجود مزیت‌های طبیعی، فراهم گردیده است. با تقویت تبادلات اقتصادی با عراق، فرصت‌هایی مناسب برای شرکت‌ها و تجار ایرانی به دست می‌آید تا بتوانند در بازارهای مصرفی عراق حضوری فعال داشته باشند که این امر منجر به تقویت روابط راهبردی و یا حداقل رقابت سازنده و خروج از بی‌اعتمادی متقابل بین دو کشور می‌شود که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تنش در سطح روابط منطقه‌ای را رفع می‌کند.

فرصت سازی فرهنگی اجتماعی

بدون تردید، وجود همبستگی فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک بین دو کشور از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در مناسبات و روابط بین ج.ا.ایران و عراق است. وجود مذهب تشیع، عتبات عالیات و ویژگی‌های زبانی و قومی هرکدام می‌تواند زمینه‌ای برای گسترش این روابط باشد، اما به عنوان یک واقعیت باید پذیرفت که در مقابل به دلیل وجود برخی اختلافات فرهنگی ناشی از زبان و فرهنگ عربی و فارسی در رقابت‌های ملی و منطقه‌ای و نوع نگاه متفاوت به روابط بین‌المللی، روابط دو کشور از چالش‌هایی نیز برخوردار است؛ این امر اتخاذ یک سیاست منطقی و مبتنی بر واقعیات موجود را ضروری می‌سازد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۹۹) آنچه که در این زمینه بعد از سقوط رژیم بعثی صدام حائز اهمیت است تقویت تعاملات فرهنگی اجتماعی دو ملت ایران و عراق در جهت گسترش زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی، سیاسی - امنیتی و استراتژیکی می‌باشد ایران با توجه به مبانی و قابلیت‌های زیر می‌تواند جایگاه خود را در عراق باز تعریف نماید.

- ۱ - مذهب تشیع و ارتباط معنوی خاص که شیعیان هر دو کشور را با توجه به اعتقادات مشترک سیاسی به هم پیوند داده است «وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه‌ی همزیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است». (دکمچیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴)
- ۲ - وجود عتبات عالیات در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای مشهد و قم در ایران که باعث رفت و آمد زائران و در نتیجه عامل پیوند دو ملت می‌گردد؛
- ۳ - بافت فرهنگی اجتماعی مشابه دو کشور، با توجه به سوابق تاریخی (در طول قرون متمادی سرزمین عراق جزئی از خاک ایران بوده است) و آثار تمدن ایرانی در خرابه‌های مداین و برخی از شهرهای دیگر عراق دیده می‌شود؛

- ۴ - تعداد زیاد ایرانیان مقیم عراق و نیز عراقیان مقیم ایران؛
- ۵ - وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آنها؛
- ۶ - توجهی که شیعیان عراق برای حل مشکلات خود به حکومت ایران داشته‌اند و حکومت ایران را حتی در مقابل دولت حاکم عثمانی، حامی خود می‌دانستند، این وضع تا اواخر قاجاریه ادامه داشت و طی سه دهه - ی اخیر نیز، در «گروه‌های معارض شیعی» به طور جدی چنین توقعی از ایران داشته‌اند؛
- ۷ - همسایگی و وجود مرزهای مشترک طولانی، ساکنین نواحی مرزی در دو کشور اغلب به صورت عشایری زندگی می‌کنند و در دو طرف مرز به بیلاق و قشلاق می‌پردازند؛
- ۸ - مرجعیت یا زعامت واحد شیعه برای شیعیان دو کشور در طول تاریخ، برای نمونه می‌توان به فتوای آیت‌ا... سیدمحمدحسن شیرازی مرجع تقلید وقت و رهبر جنبش تنباکو اشاره کرد. (برنا، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)
- بنابراین، وجود اصول اعتقادی مشترک (مبانی نظری مشترک اسلام و بویژه مذهب شیعه)، نقش مؤثر مقوله‌ی مرجعیت، سابقه‌ی اقامت مرجع تقلید وقت امام خمینی در عراق، وجود عتبات عالیات در عراق و مراودات بین حوزه‌های علمیه‌ی دو کشور از جمله شاخص‌های مهمی است که «همبستگی ایدئولوژیک و همگرایی تاریخی - فرهنگی» بین جامعه‌ی شیعیان عراق با ایران به عنوان اساسی‌ترین زیرساخت تأثیرگذاری ج.ا.ایران، بر جامعه‌ی شیعیان عراق تلقی می‌گردد.
- در زمینه‌ی هرچه بیشتر شدن ارتباطات فرهنگی و مذهبی بین دو کشور چندین تفاهم‌نامه و توافق‌نامه به امضا رسیده است، که در این زمینه می‌توان به سفر آقای محمدرضا باقری، معاون وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در (۸۶/۶/۲۱) اشاره کرد که از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر می‌توان به اختصاص بخشی از کمک‌های اعتباری ایران به عراق برای احداث طرح راه‌آهن بصره - خرمشهر و انعقاد موافقت‌نامه‌ی فرهنگی میان دو کشور یاد کرد.

این موافقت‌نامه‌ی فرهنگی در زمینه‌ی تبادلات علمی فرهنگی تبادل استاد و دانشجو، پرپایی دوره‌های بازدید علمی و فرهنگی برای اساتید و دانشجویان صورت گرفته است.

از جمله تفاهم‌نامه‌ی دیگری که بین مقامات ایران و عراق صورت پذیرفت، ارائه‌ی خدمات و تسهیلات بیشتر برای اعزام زائران ایرانی به عتبات عالیات بود. طرفین توافق کردند این تعداد در مناسبت‌های خاصی نظیر اربعین، ایام عرفه، تاسوعا و عاشورا و ایام شعبانیه در صورت امکان به ۵ هزار نفر در روز افزایش یابد. توسعه و افزایش محورهای ورودی به عراق امکان سفر هوایی به این کشور و نحوه‌ی افزایش امکانات و خدمات مورد نیاز زائران ایرانی در سفر به عتبات از دیگر محورهای بحث میان هیأت عراقی و رئیس سازمان حج و زیارت ایران بود. (خبرگزاری ج.ا.ا، ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق را می‌توان نقطه‌ی عطفی در روابط ایران و عراق دانست. هرچند که به دنبال این اشغال نظامی چالش‌هایی در زمینه‌ی نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیط زیست برای ایران ایجاد شد. اما نباید از دستاوردها و فرصت‌هایی که برای ایران به دست آمده غافل ماند. از مهم‌ترین این دستاوردها از بین رفتن صدام و نظام بعثی بود که در پی آن شیعیان توانستند قدرت را در دست بگیرند و یک حکومت اسلام‌گرای دموکراتیک «نه از نوع ایرانی» بلکه یک الگوی جدید و اشنگتن‌پسند در عراق شکل گیرد که ممکن است در درازمدت چالش‌هایی برای منافع ایران در پی داشته باشد. مهم‌ترین فرصتی که ایران می‌تواند از طریق آن نقش‌آفرینی کند ورود شیعیان در نظام سیاسی آینده‌ی عراق است چرا که ایران از این طریق می‌تواند با توجه به اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژی که با شیعیان دارد به یک قدرت منطقه‌ای برتر تبدیل شود و زمینه را برای بهره‌برداری بهتر از شرایط موجود در راستای اعمال فشار دیپلماتیک بر آمریکا، اتحادیه‌ی

اروپا و حتی کشورهای دارای اقلیت شیعه در منطقه محیا سازد و چون این بار آمریکا نیز در مسائل شیعیان درگیر است، امکان بهره‌برداری تبلیغاتی آمریکا از صدور انقلاب اسلامی کاهش خواهد یافت، آنچه که ایران در این ارتباط باید مورد توجه قرار دهد این است که عملکرد ایران نباید تداعی کننده‌ی دخالت ایران در مسائل داخلی کشورهای همسایه از طریق شیعیان باشد. یکی از مؤثرترین روش‌ها استفاده از سازمان‌های غیردولتی در راستای گسترش و تعمیق وحدت میان شیعیان است و آنچه که برای ایران بیش از همه، در درجه‌ی اهمیت قرار دارد این است که عراق هرچه زودتر باثبات گشته و روابطی دوستانه با ایران داشته باشد. در این زمینه ایران خواهان گسترش روابط دیپلماتیک بین دو کشور است و امضای تفاهم‌نامه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و... که با سفرهای مقامات ایرانی به عراق صورت می‌گیرد در جهت گسترش این روابط می‌باشد.

منابع

- ۱ - احمدزاده، داود (۱۳۸۵). "پیشنهاد امنیتی ایران برای توافق امنیتی با عراق"، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na000200412360917>
- ۲ - برزگر، کیهان (۱۳۸۵). سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۳ - برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۵). روند دولت‌سازی در عراق جدید بایسته‌ها و رویکردهای ج.ا.ا. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- ۴ - بصیری، محمدعلی و فاطمه شایگان (۱۳۸۵). "حمله‌ی آمریکا به عراق: پیروزی یا شکست در مبارزه با تروریسم؟"، فصلنامه‌ی خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳ و ۲.
- ۵ - بشیریه، حسین (۱۳۸۲). دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ دوم.
- ۶ - بلالی، محمدرضا (۱۳۸۲). "بررسی برخی از ابعاد پنهان آمریکا در عراق"، مجله‌ی نگاه، سال سوم، شماره‌ی ۳۳.
- ۷ - بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۲). "امنیت ملی ایران"، فصلنامه‌ی جغرافیایی نظامی و امنیتی، سال اول، شماره‌ی ۲.
- ۸ - بهشتی‌پور، حسن (۱۳۸۶). "ایران و عراق بعد از صدام"، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp000200534023711414>
- ۹ - بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، هراس. تهران: ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۰ - پورسعید، فرزاد (۱۳۸۶). "عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران"، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.sap?cn=ppooo200449011218112>
- ۱۱ - تلنکس، خبرگزاری، ج.ا.ا.، (۲۱ مهر ۱۳۸۱).

- ۱ - تیشه یار، ماندانا و مهناز ظهیری نژاد (۱۳۸۵). بررسی نقش ژئوپلیتیک عراق در روابط با همسایگان، تهران: مؤلفین.
- ۱۳ - حجت زاده، عبدالحسین (۱۳۷۸). "تحول جایگاه امنیت نظامی و ابزارهای آن در تأمین امنیت"، فصلنامه‌ی امنیت ملی، شماره‌ی یک.
- ۱۴ - حجت زاده، عبدالحسین (۱۳۸۳). "ایالات متحده، امنیت، سرزمین و عوامل تهدیدکننده‌ی آن"، مجله‌ی نگاه، شماره‌ی ۴۵.
- ۱۵ - خبرگزاری آفتاب (۱۰ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://www.aftabnews.ir/vdcjaaxeget.htm>
- ۱۶ - خبرگزاری آفتاب (۲۴ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://www.aftabnews.ir/vdcivzat1uavw.htm>
- ۱۷ - خبرگزاری ایرنا (۲۳ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www.iran.ir/fa/news/view/line/811072723093316.htm>
- ۱۸ - خبرگزاری ایرنا (۲۱ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://pooyaie.bloga.com/post2.aspx>
- ۱۹ - خبرگزاری ج.ا.ا (۲۶ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www2.iran.ir/fa/news/view/line9/8g11264763/53348>
- ۲۰ - خبرگزاری زمانه (۲۹ دی ۱۳۸۵). از: <http://www.radiozamaneh.com/news/2006/11post395.htm/31k>
- ۲۱ - خبرگزاری فارس (۲۴ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www.mytabriz.com/newz/?p=9968>
- ۲۲ - دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷). جنبش‌های معاصر در جهان عرب، بررسی پدیده‌ی بنیادگرایی اسلامی، ترجمه‌ی حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: کیهان.
- ۲۳ - رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). "ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۲۴ - روزنامه‌ی اعتماد ملی (۷ مهر ۱۳۸۶)، شماره‌ی ۴۷۰.
- ۲۵ - روزنامه‌ی اعتماد ملی (۱۶ مهر ۱۳۸۶)، شماره‌ی ۴۷۹.
- ۲۶ - سنبل، نبی (۱۳۸۴). "استراتژی سلطه‌ی سریع در تهاجم اخیر آمریکا به عراق"، مجله‌ی نگاه، شماره‌ی ۳۴.
- ۲۷ - سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). "عراق جدید، خاورمیانه‌ی جدید، پیامدهای نظری برای

- ایران، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره‌ی ۴ تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه.
- ۲۸ - عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۹ - علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، تهران.
- ۳۰ - «فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در خاورمیانه». از:
<http://www.iraneconomics.net/falavticles.asp?id=2468>
- ۳۱ - «فرهنگ علوم سیاسی» (۱۳۷۶). مرکز مطالعات و مدارک علمی، تهران.
- ۳۲ - قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵). «استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج فارس»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره‌ی سوم.
- ۳۳ - کامل، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). «نگاه نومحافظه‌کاران به ایران در پرتو راهبرد جدید بوش در عراق»، ماهنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال چهارم.
- ۳۴ - کریمی، حسن (۱۳۸۲). شیعیان عراق، از:
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020042103181717>
- ۳۵ - کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴). «چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه‌ی نخست قرن بیستم»، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهش.
- ۳۶ - محمدزمانی، فاطمه (۱۳۸۵). «ارتباطات فرهنگی». از:
<http://intculturezamai.blogfa.com/8512.aspx>
- ۳۷ - «مسابقه‌ی تسلیحاتی آمریکا در منطقه»، برگرفته از سایت خبری بی‌بی‌سی فارسی، از:
<http://groups.google.com/group/khakg/thread/42c2dc868b187535/52035128447d17a?hl=en&lnk=st&q=%>
- ۳۸ - یزدی، ابراهیم (۱۳۸۵). «ایران، عراق، آمریکا». از:
<http://fardanewz.com/show/print.php?id=21012>
- ۳۹ - یوسفی، سپهر (۱۳۸۵). «احتمال حمله به ایران و پیامدهای آن از دید ING BANK». از:
<http://www.radiozamaaneh.com/analysis/2007/01/-ing-book htm/>
- 40 - Barzegar, Kayhan, (2005) "The Middle East and the New Terrorism", Journal of Science and World Affairs, Vol.1, No.2.
- 41 - Esposito, Karin "Preceptions of Freedom: US-Iran Relations as A Product of Differing Societal Viewpoints on The Meaning of Freedom", Journal of the European Society for Iranian Studies, No.1.
- 42 - Hernandez, Nelson (2006), "Iraqi Oil Minister Resigns to Protest Higher Fuel

Prices". Washington Post, January.

- 43 - Kuper, L (1970). Ethnic and Racial Pluralism; Some Aspects of Polarization. Berkely: University.
- 44 - Nasr, Vali (2004). " Regional Implications of Shia Revival in Iraq". The Washington Quarterly, Vol.27.
- 45 - Mcdowall/d/A Modern History of the Kurds, London: I.B.Taurist (2000).
- 46 - Tripp, Charles (2002). "A History of Iraq". Cambridge University Press.
- 47 - Zubaida, Amir (1990). "Islam, The People, and The State, London: Routledge. Pp:131-137.
- 48 - <http://www.CNN.com.sep.16/2003>.
- 49 - <http://www.CNN.com.sep.22/2003>.
- 50 - <http://www.iiss.org/iraq.ph>.

